



درآمد:

پرونده عالم جلیل و مبارز نستوه، جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای جمی در ساواک، دربر دارنده اطلاعات مهم و منحصر به فردی است که می تواند ابعادی پنهان و نامکشوف از سیر مبارزاتی این روحانی پاکباز را نمایان سازد. این نوشتار بر آن است تا با گزینش نکاتی بدیع و مهم در باره مبارزات آقای جمی از پرونده وی، خواننده را با جنبه هایی از مجاهدات او در دوران پرشکوه مبارزات ملت ایران و نیز حساسیت های ساواک نسبت به وی آشنا سازد.

سیری در اسناد مبارزاتی حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامحسین جمی  
قاسم تیریزی

## صلاغر انقلاب در آبادان...

نمی دهد و همچون دیگر یاران امام خمینی، متعهد، مسئول، پایدار و مقاوم، در راه تحقق آرمان های اسلامی ایستاده و از قدرت شاه، ساواک و تهدید رژیم نهراسیده است. با اعدام رهبران اخوان المسلمین در مصر به دست رژیم ناصر، ایشان نامه ای تسلیت گونه ای به حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی که مترجم و ناشر و مروج روش اخوان بود، می نویسد. نامه به دست ساواک می رسد. تحلیل ساواک از نگرش و حرکت حجت الاسلام جمی جالب است: «نامبرده بالا نامه ای از آبادان به سید هادی خسروشاهی ارسال و در آن نامه اعدام سید قطب، رهبر اخوان المسلمین مصر را به خسروشاهی تسلیت گفته و اضافه کرده است، «در جامعه اسلامی، مخصوصاً حوزه علمیه قم، سید قطب آشنایان و علاقمندان زیادی دارد، اما به تشخیص خودم کسانی که اینطور خدمتگزار و مجاهد واقعی اسلام و قرآن را چون شما شناخته و اگر کسی هم پی برده باشد خیلی معدودند، اما چرا شما سید قطب را شناخته اید؟ برای اینکه عدالت اجتماعی سید قطب را ترجمه و نگارش کرده اید و بیشتر دلم می خواست و در انتظار بودم که این مقاله با بسط بیشتری در صفحات مکتب اسلام چاپ شود تا به گوش جهان اسلام برسد و مرگ شخصی چون سید قطب به این زودی ها تازگی خود را از دست نداده و فراموش نخواهد شد.»

در ملاحظات آمده است، «خواهشمند است دستور فرمایید ضمن تعیین مشخصات کامل غلامحسین جمی و اعلام خلاصه ای از سوابق نامبرده، نحوه فعالیت وی را مشخص و اعمال و رفتار یاد شده را تحت کنترل قرار دهند.» روحانیون عنوان سخنرانی جلسه هفتگی آقایان علما در مسجد همایونشهری ها شد و حتی با امضای علمای آبادان، برای حکومت عراق تلگرافی را ارسال نمودند. در یک گزارش مفصل دیگر از جلسه هفتگی روحانیون آبادان آمده است: «آقای جمی بالای منبر رفته، ابتدا درباره دین اسلام و از حوزه های علمیه نجف اشرف و قم صحبت کرده و سپس درباره عراق، حکومت بعثی، اسائه ادب به آیت الله حکیم، اخراج ایرانیان و... صحبت کرده و گفته است، «این حکومت بعثی عراق به جای اینکه ایرانیان را از عراق اخراج کند، برود بیت المقدس

رشوه خواری وفق می دهد؟ مسلماً خیر. تنها با لفظ جعفری گفتن کافی نیست. باید با عمل توأم باشد. در همین آبادان چرا این قدر بی بند و باری و فساد و کانون فحشا با کمال آزادی رواج دارد؟ باید قدری به خود آییند و نگویید من دستم را روی کلاه خودم می گذارم تا باد نبرد.» سپس با اشاره به خلافت منصور عباسی، شهادت امام صادق (ع) و ادامه مبحث گفت، «ما افتخار می کنیم که شیعه، مذهب رسمی ماست. چقدر کشته ها دادند. آنهایی که اکنون قدرت را در دست دارند، بدانند که توهین کردن به ساحت مقدس انبیا و اولیا کاری بسیار زشت است و در روز معینی باید حساب پس بدهند.»

در یک گزارش تکمیلی از وضعیت گذشته ایشان آمده است، «نامبرده بالا یکی از واعظین است که در کلیه سخنرانی های خود انتقاداتی از وضع موجود نموده و نسبت به حوادث چند ساله اخیر با روحانیون مخالف همصدا بوده و اقدامات آنها را تأیید می نموده است. البته از طرف این ساواک مرتباً تذکرات لازم به وی داده شده و اعمال او تحت نظر است.»

نکته مهم، ایستادگی و مقاومت حجت الاسلام جمی در مسیر نهضت است که تهدید، تذکر و حصر، در وضعیت ایشان تغییر

اولین سند درباره حجت الاسلام جمی مربوط به ۴۳/۲/۲۹ است که عکس هایی از آیت الله خمینی و آقای شریعتمداری را آقای غلامحسین جمی سر دفتر از دواج شماره ۴۵ آبادان به آنجا و سایر نقاط می فرستد. پس از یک ماه، گزارشی کاملاً سری درباره ایشان وجود داده می شود با این مضمون که «نامبرده بالا از روحانیون مخالف و از طرفداران [امام] خمینی و در شهر آبادان ساکن است؛ ولی در اعمال و رفتار خود محافظه کار و میانه رو می باشد. به وسیله این ساواک مرتباً تذکرات لازم به وی داده می شود و مخصوصاً در این مورد به نامبرده گوشزد گردیده که از این اعمال برحذر باشد. ضمناً دستور داده شد به وسیله پستخانه، مراسلات و مکاتبات وی تحت کنترل قرار گیرد.» ساواک در همین دوران برگ تعرفه بیوگرافی ایشان را تهیه نموده، ضمن ذکر مشخصات و محل تولد، در بند ۲ آورده است که «او میزبان نفوذ زیادی دارد و در حدود ۱۰۰۰۰ نفر طرفدار دارد و در مسجد دشتستانی ها نماز می گزارد. قدرت بیانش خوب است. مقلد آقای خمینی است و درجه تحصیلات دوره دینی را به پایان رسانیده.» در بند ۷ آمده است، «در مورد رویه و افکار و تمایلات و بستگی به شیعات مختلف سیاسی و غیر سیاسی؛ نسبت به دستگاه دولتی خوش بین نیست و در موعظه های خود جانب [امام] خمینی را دارد.» در بند ۸، چنین آمده است، «نقاط ضعف و صفات برجسته؛ مشاهده نشده است. وضع مالی؛ از راه منبر و موعظه امرار معاش می کند و وضع مادی وی نسبتاً بد نیست و میزان اعتقاد مردم به زهد و تقوی نامبرده زیاد است.» در بند ۱۱ می خوانیم، «میزان احترام به قوانین و مقررات؛ فقط قوانین شرع را قبول دارد.» در بند ۱۳ آمده است، «نامبرده هر هفته در روزهای جمعه در جلسه هفتگی آقایان اهل علم، موعظه و اظهاراتی در مورد مطرود بودن تمدن و فرهنگ و قوانین غیر اسلامی نموده و گرسنه قدرت است و سیاستش منفی بافی است.» از جلسات سخنرانی ایشان، منبع ساواک به طور منظم گزارش می داد:

«آخوند جمی در مسجد همایونشهری ها، بالای منبر برای عده ای سخنرانی کرد. او درباره تربیت فرزندان و احترام به شخصیت افراد صحبت کرد. سپس در مورد امام صادق (ع) شمه ای بیان نمود و گفت، «این مملکت هم مملکت شیعه جعفری است، ولی آیا مذهب جعفری را با قاصه گری و دزدی و جنایت و آدمکشی و



توجه به دقت حجت الاسلام جمی در طرح مسائل اصلی، کلیدی و مهم آن دوران، خصوصاً با شناخت زمان و مکان قابل بررسی و تحلیل است. ایشان در حضور روحانیون، ضمن انتقاد از دولت و وضعیت جامعه می گوید، «ما مسلمانان از علمایی باید تقلید کنیم که علم و تقوایشان بیش از سایرین باشد.» با توجه به خطی مشی و روش ایشان، هم مخاطبان متوجه شدند که برای تقلید به چه کسی ارجاع داده می شوند و هم ساواک روش ایشان را می دانست.





عده‌ای از روحانیون و طبقات مختلف مردم، وی در مورد حرام بودن مشروب و اجازة صدور پروانه کسب برای فروش آن سخنرانی ایراد و در خاتمه سخنانش اظهار کرد، «خدا یا مراجع تقلید ما را حفظ بفرما.» که منظورش [امام] خمینی بوده است.»

نظریه یکشنبه:

«با توجه به اینکه مشارالیه از طرفداران [امام] خمینی می‌باشد، می‌توان به صحت خبر اطمینان نمود. ضمناً از اعمال و رفتار یاد شده مراقبت به عمل می‌آید.»

توجه به دقت حجت الاسلام جمعی در طرح مسائل اصلی، کلیدی و مهم آن دوران، خصوصاً با شناخت زمان و

مکان قابل بررسی و تحلیل است. ایشان در حضور روحانیون، ضمن انتقاد از دولت و وضعیت جامعه می‌گوید، «ما مسلمانان از علمایی باید تقلید کنیم که علم و تقوایشان بیش از سایرین باشد.» با توجه به خطی مشی و روش ایشان، هم مخاطبان متوجه شدند که برای تقلید به چه کسی ارجاع داده می‌شوند و هم ساواک روش ایشان را می‌دانست. خصوصاً در پایان همین سخنرانی در دعای خود گفت، «خداوند! مرجع عالیقدر بزرگ که تبعید است مؤید بدار.»

در همین دوران نامه‌ای از آیت الله ناصر مکارم شیرازی برای ایشان ارسال می‌شود که ساواک نامه را ضبط می‌کند و اصل نامه در پرونده ایشان ضبط گردیده است. به هنگام مسافرت ایشان به شیراز، پرویز ثابتی به ساواک فارس می‌نویسد، «نامبرده از روحانیون طرفدار [امام] خمینی می‌باشد... خواهشمند است دستور فرمایید به وسیله منابع و سایر امکانات موجود، در مدت اقامت وی در آن منطقه، اعمال و رفتار او را تحت مراقبت قرار داده و نتیجه را به این اداره کل منعکس نمایند.» با درگذشت مرجع تقلید حضرت آیت الله العظمی سید محمدحادی میلانی، مجالس ختم در سراسر مملکت برگزار شدند. در آبادان با شرکت متجاوز از ۳۰۰ نفر، از سوی روحانیون

و یازرگانان در حسینیه اصفهانی‌ها مجلس ختمی تشکیل شد. سخنران جلسه آقای جمعی بود. ایشان ضمن ستودن مقام علمی و معنوی مرجع تقلید و روش ایشان، به جایگاه روحانیت و مرجعیت در جامعه اشاره کردند و گفتند که، «رمز و سر این احترام را باید در شعار روحانیت جستجو کرد. شعار روحانیت چیست؟ عدالت و امانت. بشر عاشق عدالت و امانت و حقیقت و درستکاری و به مذهب علاقمند است. روحانیت بستگی به ثبوت دارد و جانشین پیامبران و معلم و تربیت کننده جامعه است.»

در گزارش یکشنبه آمده است، «شیخ غلامحسین جمعی از روحانیون طرفدار [امام] خمینی است... در روز بعد جلسه‌ای دیگر در مسجد هماهنگی‌ها تشکیل شد و آقای جمعی سخنران مجلس بود. او در آن جلسه گفت، «...مرجع تقلید نه تنها باید عالم باشد، بلکه عادل هم باید باشد. با هوا و هوس‌های نفسانی مخالف و دلسوز دین باشد به خاطر دین از تبعید نترسد. از سرزنش و از تهمت نترسد. اگر به او اخلاک و دشمن جامعه گفتند، هراس نداشته باشد.»

ناطق در سخنان خود داستان تبعید شدن امام صادق (ع) را و ظلم‌های منصور دوانقی و همچنین داستان موسی بن جعفر (ع) و ظلم‌های هارون را نیز بیان و اضافه کرد رابطه بین ملت ایران و روحانیت گسست‌ناپذیر است.»

سابقه، اظهارات فوق به احتمال قوی صحت دارد و مشارالیه از روحانیون طرفدار [امام] خمینی است.»

را از دست اسرائیل نجات دهد و یا اورشلیم را از دست اسرائیل بگیرد و یا سرزمین‌های اشغالی را از دست یهودیان پس بگیرد. ملت مسلمان و برادران دینی! ما یک وظیفه داریم و آن هم اینکه در جلساتی که تشکیل می‌شود، در این مورد، مردم را آگاه سازیم و من بنا به وظیفه‌ای که بر عهده دارم، تا آنجایی که امکانات اجازه می‌دهد، می‌کوشم و در هر [حال] مسلمانان را از این عمل ننگین حکومت عراق آگاه می‌سازم.»

در سال ۱۳۴۹، مقدم، مدیر کل اداره سوم ساواک می‌نویسد، «نامبرده بالا از روحانیون افراطی و مخالف و طرفدار [امام] خمینی می‌باشد که اکثراً در منابر خود مطالب انتقاد آمیز بیان می‌نماید. خواهشمند است دستور فرمایید اعمال و رفتار و تماس‌های مشارالیه را تحت کنترل قرار داده و در صورت مشاهده فعالیت مشکوکی از وی، مراتب را به موقع به این اداره کل منعکس نمایند.»

انتقادات و بیان واقعیات از اوضاع روز، تقریباً حجت الاسلام جمعی را به عنوان «سوزه» ساواک در آورده و گزارشات مکرر در مورد ایشان آمده است، «شیخ غلامحسین جمعی در جلسه هفتگی روحانیون آبادان که حدود ۲۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم در آن حضور داشتند، به منبر رفت و ضمن انتقاد از وضع فعلی ایران اظهار داشت:

۱. قیلم‌هایی که از آمریکا و اروپا در تلویزیون و یا در سینماها نمایش داده می‌شوند، از نظر اخلاقی زنده و برای اجتماع نیز مضرند.

۲. بچه‌ها را وادار می‌کنند که روحانیون را مسخره نمایند. ۳. به منزل روحانیون می‌ریزند و ضمن آزار و اذیت، تبعیدشان می‌کنند و روحانیون مورد بحث چیزی نمی‌گویند و به روحانیون می‌گویند اسمش را نبرید...»

نظریه یکشنبه:

«با توجه به سوابق شیخ جمعی، اظهارات فوق از جانب وی بعید به نظر نمی‌رسد. اعمال و رفتار یاد شده تا حدود امکان تحت مراقبت قرار دارد. نتایج حاصله به موقع به استحضار خواهد رسید.»

در حاشیه سند آمده است، «نامبرده از روحانیونی است که از [امام] خمینی تقلید می‌نماید.»

ماه بعد در گزارش دیگری آمده است که، «در جلسه هفتگی،



حجت الاسلام جمعی علاوه بر اشاراتی و پیرامون اوضاع ایران بعضاً در مورد جهان اسلام، فلسطین، عراق و لبنان نیز صحبت و به آمریکا، اسرائیل، انگلیس حمله می‌کرد.

آقای جمعی در سخنرانی خود همچنین درباره اسرائیل و بمباران لبنان به وسیله آن کشور و سیاست انگلستان برای ایجاد اسرائیل در صد سال اخیر و رواندن فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه شان به وسیله یهودی‌ها و اظهارات یاسر عرفات در سازمان ملل متحد صحبتی به میان آورد. در این جلسه حدود ۲۸۰ نفر از طبقات مختلف به خصوص بازاری‌ها شرکت داشتند.

سخنرانی دیگری در هیئت مهدیه داشته و با اشاره به وضع لبنان ثابتی طی نامه‌ای به اداره کل خوزستان می‌نویسد، «دستور فرمایید نامبرده احضار و شدیداً به وی تذکر داده شود، چنانچه من بعد در جلسات سخنرانی خود خارج از مسائل مذهبی

### حجت الاسلام جمعی

**در مسجد بهبهانی‌های آبادان، مجلس بزرگداشت شهید آیت الله سید مصطفی خمینی برگزار شد و سخنران آقای جمعی بودند. در گزارش ساواک آمده است، «ایشان درباره آیت الله خمینی و مرحوم مصطفی خمینی صحبت نمود و از سجایای اخلاقی آن مرحوم یاد کرد و اضافه نمود وظیفه ما روحانیون این است که نیک و بد را برای مردم تشریح کنیم، زیرا مدیون هستیم.»**

صحت نماید، تصمیمات شدیدی در مورد وی اتخاذ خواهد شد.»

چندی بعد ساواک خوزستان به تهران گزارش می‌دهد: «در مورخه ۵۶/۵/۸۷ از طرف آیت الله عبدالرسول قائمی، سید کاظم دهدشتی، غلامحسین جمعی تلگرافی جهت آیت الله خمینی به نجف اشرف مخابره شده و ضمن این تلگراف نامبردگان به یاد شده تسلیت گفته‌اند.»

این تلگراف به مناسبت شهادت شهید آیت الله سید مصطفی خمینی می‌باشد که هفته قبلش به طور مشکوکی به شهادت رسیده بود. هفته بعد در مسجد بهبهانی‌های آبادان، مجلس



سخنرانی در جلسه هفتگی روحانیون در حسینیه اصفهانی ها و بحث پیرامون مشخصه‌های رهبران جهان، خاصه روحانیان که نباید «به دنبال مقام و ظاهر باشند» و دعوت از مردم که نترسید و تجلیل از مراجع تقلید. در این جلسه در بین خانم‌ها اعلامیه‌های امام پخش گردید. سخنرانی در مسجد مهدی آبادان پیرامون «رهبر عالیقدر فعلی ما آیت‌الله خمینی» بود در این جلسه، حدود ۸۰۰ نفر حضور داشتند و هر گاه نام امام برده می‌شد، جمعیت صلوات می‌فرستادند.

با گسترش مبارزات، در میان اسناد و پرونده حجت‌الاسلام جمعی ده هاسند در مورد کارگران شرکت نفت، نیروهای مسلمان فعال، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های حضرت امام و احزاب و گروه‌ها وجود دارند که ما از آوردن آن و ذکر یکایک این قبیل خودداری کردیم. خاصه آن که در متن و حواشی ذکری از جانب آقای جمعی نشده بود؛ ولی با گسترش اعتصابات کارگران شرکت نفت و پخش اعلامیه‌های حضرت امام در مشهد، قم و تهران، حضرات آقایان محلاتی، منتظری، طیبسی یا منزل ایشان تماس گرفته‌اند و همگی در مورد اعتصابات کارکنان شرکت ملی نفت با پسر غلامحسین جمعی به نام محمود صحبت کرده‌اند. «چند روز است که غلامحسین از ترس دستگیری در منزل نیست و در منزل شخصی به نام کرامتی یا مظاهری در شهرستان خرمشهر سکونت دارد.» طیبسی از مشهد ضمن تماس با پسر جمعی از وی خواست که به پدرش بگوید تعدادی از بازاریان و اطباء اعلام کرده‌اند حاضرند به اندازه کافی خانه و پول در اختیار کارکنان شرکت نفت که ممکن است در ادامه اعتصاب، اخراج یا از کار بیکار شوند، بگذارند و طیبسی اصرار می‌نمود که این مطلب به جمعی گفته شود تا به طریق به کارگران ابلاغ شود و آنها به اعتصاب ادامه دهند. او از اینکه شنید تعدادی از کارگران، اعتصاب را شکسته‌اند، ناراحت شد.

نظریه یکشنبه: «در چند روز اخیر تماس‌های بسیار زیادی با غلامحسین جمعی گرفته شده است و برابر سوابق موجود و شواهد و قرائن، عامل اصلی تظاهرات خرمشهر که منجر به کشته شدن چند نفر شده، شیخ غلامحسین جمعی می‌باشد که یکی از روحانیون افراطی موافق [امام] خمینی است. چنانچه وی دستگیر نشود و اشد مجازات درباره‌اش اجرا نرود، هرگونه تظاهرات و کشت و کشتار در اغلب شهرستان‌های خوزستان متصور است که طی تماسی که روز گذشته به وسیله شخص ناشناسی با پسر وی گرفته شد، تصمیم گرفته شد.» انتشار مکرر اعلامیه‌ها و پخش آنها در گزارشات پرونده حجت‌الاسلام جمعی ثبت و جمع شده است. حتی در گزارشی آمده است، «اعلامیه با امضای [امام] خمینی به کارکنان شرکت ملی نفت آبادان که توزیع گردیده، از طریق شیخ غلامحسین جمعی تکثیر و توزیع گردیده است.»

رژیم شاه بود. ایشان حتی بحث حکومت اسلامی را نیز بیان و با جانشینی یزید توسط معاویه و به دنبال آن، وضع اسرائیل و تروریست بودن این حکومت را عنوان می‌کردند. در حسینیه اصفهانی‌ها جلسه خصوصی تشکیل شد و محمد صالح طاهری، بدون استفاده از بلندگو صحبت کرد. مردم که اکثرًا از تیپ جوان وزیر ۳۰ سال بودند؛ به هنگام خروج به تظاهرات پرداختند و به بانک‌ها حمله کردند و شعارهایی بر له خمینی سر دادند. ساواک در گزارش خود، از ۲۶ فرد مؤثر در این حرکت: شیخ عبدالرسول قائمی، شیخ عباسعلی دانشمند، شیخ غلامحسین جمعی، سید محمد کیابوش، محمد جواد رشیدیان ۲۴ نام می‌برد و از دستگیری حجت‌الاسلام شیخ هادی غفاری در آبادان و تهدید مردم آبادان به راه انداختن تظاهرات در صورت آزاد نشدن افراد فوق الذکر، گزارش ویژه‌ای را در مورد حجت‌الاسلام جمعی برای تیمسار ریاست ساواک «نعمت‌الله نصیری» ارسال می‌دارد و می‌نویسد:

«نامبرده بالا یکی از روحانیون افراطی و طرفدار [امام] خمینی می‌باشد و اغلب در منابر خود مطالب انتقادآمیز و تحریک‌کننده عنوان می‌نماید. در مورخه ۵۷/۴/۱۶ ضمن سخنرانی درباره بعثت رسول (ص) اظهار داشته است، «رهبر عالیقدر فعلی

ما آیت‌الله خمینی است که در مورد برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی تأکید فرموده‌اند که این جشن‌ها در حال حاضر نباید برگزار شوند.» با اظهارات وی در مورد [امام] خمینی، جمعیت که حدود ۸۰۰ نفر بودند، با فرستادن صلوات وی را همراهی نمودند. ضمناً در جلسات مذکور دو نوع اعلامیه توزیع گردیده که مشارالیه از متن اعلامیه‌های پخش شده اطلاع داشته است.» مدیریت کل، ذیل خبر موصوف پی نوشت فرموده‌اند، «سازمان محل در مورد خنثی کردن تحریکات وی چه اقدامی به عمل آورده است. پیشنهادت لازم ارائه شود.» در اجرای اوامر صادره، مراتب به سازمان خوزستان منعکس پاسخ حاصله حاکی است، فرد مورد بحث چندی قبل احضار و اینجانب (ریاست ساواک خوزستان) شخصاً با وی صحبت نموده و با وجود این مشارالیه تعهد اخلاقی سپرده بود که در آینده اظهارات خلافی ننماید، مهذباً به علت تعصب بیش از حدش به تعهد خود عمل ننموده است.» سازمان مذکور اضافه کرده، «قسمتی از صورت‌فرد مورد بحث به علت سکنه فلج می‌باشد و پیشنهاد نموده ترتیبی داده شود تا از طریق اداره کل ثبت جواز دفتر طلاق و ازدواج لغو و چنانچه باز هم در آینده مباردت به اعمال خلاف و اظهارات تحریک‌آمیز نمود، تبعید یا دستگیر شود.»

بزرگاری مجلس چهلم شهدای اصفهان در مدرسه علمیه آیت‌الله قائمی، و مسجد بهبهانی‌ها با حضور علمای شهر،

بزرگداشت شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی برگزار شد و سخنران آقای جمعی بودند. در گزارش ساواک آمده است، «شیخ غلامحسین جمعی درباره آیت‌الله خمینی و فرزندش مرحوم مصطفی خمینی صحبت نمود و از سجایای اخلاقی آن مرحوم یاد کرد و اضافه نمود که زیر دست آن مرحوم و پدرش چندین هزار طلبه درس علوم دینی یاد گرفته‌اند و ما باید تا جایی که می‌توانیم به آنها ایمان داشته باشیم و وظیفه ما روحانیون این است که نیک و بد را برای مردم تشریح کنیم. زیرا مدیون هستیم.»

در جلسه هفتگی روحانیون در آبادان حجت‌الاسلام جمعی طی سخنرانی به مناسبت چهلم شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی می‌گوید، «ما دو نوع شخص داریم. یکی عابد و دوم عالم. و آن مرحوم فرزند برومند یک شخص عالم مجاهد و مجتهد عالیقدر عالیرتبه، آیت‌الله خمینی می‌باشد و در باره کمال و صفات پسندیده آیت‌الله خمینی سخنان بسیاری ایراد کرد و گفت که آیت‌الله خمینی دارای تألیفات زیادی است که بعضی از این کتب را موقعی که به ترکیه تبعیدشان کردند، نوشتند و خطاب به حضار اضافه نمود، «ای مردم شما باید حرف‌های این عالم مجاهد را گوش بگیرید.»

نظریه یکشنبه، «اظهارات وی در منابر به طور مسلم یاد شده، یکی از مریدان و مقلدین [امام] خمینی می‌باشد.»

پس از شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، منبرهای حجت‌الاسلام جمعی سیاسی تر شدند و محتوای آنها علناً علیه

### حجت‌الاسلام جمعی

در جلسه هفتگی روحانیون در آبادان حجت‌الاسلام جمعی طی سخنرانی به مناسبت چهلم شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی می‌گوید، «ما دو نوع شخص داریم. یکی عابد و دوم عالم. و آن مرحوم فرزند برومند یک شخص عالم مجاهد و مجتهد عالیقدر عالیرتبه، آیت‌الله خمینی می‌باشد و در باره کمال و صفات پسندیده آیت‌الله خمینی سخنان بسیاری ایراد کرد و گفت که آیت‌الله خمینی دارای تألیفات زیادی است که بعضی از این کتب را موقعی که به ترکیه تبعیدشان کردند، نوشتند و خطاب به حضار اضافه نمود، «ای مردم شما باید حرف‌های این عالم مجاهد را گوش بگیرید.»



نویسنده مقاله در کنار حجت‌الاسلام جمعی.